



Islamic Maaref University


Scientific Journal
ANDISHE-E-NOVIN-E-DINI

Vol. 20, Summer 2024, No. 77

A Critical Study of Fakhr Razi's View on the Purpose of Human Creation Based on the Verse 56 of Surah *Dharyyat*

Mohammad Farzi Pourian¹

1. Assistant professor, Razi University, Iran.
m.farzi@razi.ac.ir

| Abstract Info | Abstract |
|---|---|
| Article Type: Research Article | In the verse 56 of Surah Dharyyat, the Holy Qur'an introduces the purpose of creation of jinn and man as the worship of God. The issue of this research is that Adliyyah, referring to this verse, believes that the purpose of God's creation of man is to worship God. But Fakhr Razi, in his interpretation of this verse, says: Because God is perfect and of no need, He has no purpose for His actions, therefore " <i>lam</i> " in " <i>li ya`budun</i> " is the that of end, and even if it be for purpose, it does not mean true purpose and only does virtually. In this article, we will examine Fakhr Razi's opinion with a descriptive-analytical and librarian method. The findings of the research show that God's purpose goes back to his actions, that is, God created jinn and man to grow and progress with servitude. Virtuality of purpose may not be agreed with also, because takeing the truth of the meaning of the sentence is preferred. As a result, Fakhr Razi's interpretation of the verse is not correct and it was based on his presupposition and theological basis. |
|  | |
| Received: 2024.04.15 | |
| Accepted: 2024.12.02 | |
| Keywords | Purpose of Creation, <i>Jinn</i> and <i>Ins</i> , Fakhr Razi, 56 Dharyyat, Meaning of Worship, Evolution of Nature, in Vain. |
| Cite this article: | Farzi Pourian, Mohammad (2024). A Critical Study of Fakhr Razi's View on the Purpose of Human Creation Based on the Verse 56 of Surah <i>Dharyyat</i> . <i>Andishe-E-Novin-E-Dini</i> . 20 (2). 127-142. DOI: https://doi.org/10.22034/20.77.125 |
| DOI: | https://doi.org/10.22034/20.77.125 |
| Publisher: | Islamic Maaref University, Qom, Iran. |

نقد رأي الفخر الرازي في غاية خلق الإنسان مع التركيز علي الآية ٥٦ من سورة الذاريات

محمد فرضي پوريان^١

١. أستاذ مساعد في قسم المعارف الإسلامية جامعة رازي، كرمانشاه، إيران.
m.farzi@razi.ac.ir

| ملخص البحث | معلومات المادة |
|--|---|
| في الآية ٥٦ من سورة الذاريات، يقدم القرآن الكريم غرض خلق الجن والإنس، وهو عبادة الله. ومسألة هذا البحث هي أن العدلية، في إشارة إلى هذه الآية، تعتبر أن الهدف من خلق الله للإنسان هو عبادة الله. لكن في تفسير هذه الآية يقول الفخر الرازي: لأن الله كامل لا يحتاج إلى غرض من أفعاله، ولذلك فإن اللام في "ليعبدون" هي لام العاقبة، وحتى لو كانت اللام الهدف والغرض، ولا يعني الهدف الحقيقي ولا يدل إلا على أن الهدف افتراضي. وفي هذا البحث سنتناول رأي الفخر الرازي بالمنهج الوصفي - التحليلي والبحث في المكتبات. وتشير نتائج البحث إلى أن مراد الله يعود إلى أفعاله، أي أن الله خلق الجن والإنس لينموا ويتفوقوا بالعبودية. كما أن افتراضية الهدف غير مقبولة، لأن المبدأ على حقيقة معنى الجملة. ونتيجة لذلك فإن تفسير الفخر الرازي للآية غير صحيح، وقد بني على افتراضه وأساسه الكلامي. | نوع المقال: بحث تاريخ الاستلام: ١٤٤٥/١٠/٠٦ تاريخ القبول: ١٤٤٦/٠٥/٣٠ |
| غاية الخلق، الجن والإنس، الفخر الرازي، ٥٦ الذاريات، معنى العبادة، تطور الطبيعة، العيب. | الألفاظ المفتاحية |
| فرضي پوريان، محمد (١٤٤٦). نقد رأي الفخر الرازي في غاية خلق الإنسان مع التركيز على الآية ٥٦ من سورة الذاريات. مجلة الفكر الديني الجديد. ٢٠ (٢). ١٤٢ - ١٢٧. DOI: https://doi.org/10.22034/20.77.125 | الاقتباس: |
| https://doi.org/10.22034/20.77.125 | رمز DOI: |
| جامعة المعارف الإسلامية، قم، إيران. | الناشر: |



نقد و بررسی نظر فخر رازی در مورد هدف خلقت انسان با محوریت آیه ۵۶ سوره ذاریات

محمد فرضی پوریان^۱

۱. استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.
m.farzi@razi.ac.ir

| اطلاعات مقاله | چکیده |
|----------------------------------|---|
| نوع مقاله: پژوهشی (۱۴۲ - ۱۲۷) | قرآن کریم در آیه ۵۶ سوره ذاریات هدف از خلقت جن و انس را عبادت خدا معرفی می‌کند. مسئله این پژوهش این است که عدلیه با استناد به این آیه، هدف خداوند از خلقت انسان را عبادت خدا می‌داند است. اما فخر رازی در تفسیر این آیه می‌گوید: چون خداوند کامل و بی‌نیاز است، هیچ هدفی از فعل خود ندارد، لذا «لام» در «لِيَعْبُدُون» لام عاقبت است و اگر هم لام غرض باشد، به معنای هدف حقیقی نیست و تنها دال بر هدف مجازی است. در این نوشتار با روش توصیفی - تحلیلی و کتابخانه‌ای به بررسی نظر فخر رازی می‌پردازیم. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که هدف خداوند به فعلش برمی‌گردد، یعنی خداوند جن و انس را خلق کرد تا با بندگی به رشد و تعالی برسند. مجازی بودن غرض نیز قابل قبول نیست، زیرا اصل بر حقیقی بودن معنای جمله است. در نتیجه تفسیر فخر رازی از آیه صحیح نیست و بر مبنای پیش فرض و مبنای کلامی او بوده است. |
| تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۲۷ | هدف از خلقت، جن و انس، فخر رازی، ۵۶ ذاریات، معنای عبادت، تکامل ذات، عبث. |
| تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۱۷ | فرضی پوریان، محمد (۱۴۰۳). نقد و بررسی نظر فخر رازی در مورد هدف خلقت انسان با محوریت آیه ۵۶ سوره ذاریات. اندیشه نوین دینی، ۲۰ (۲). ۱۴۲ - ۱۲۷. DOI: https://doi.org/10.22034/20.77.125 |
| واژگان کلیدی | کد DOI: https://doi.org/10.22034/20.77.125 |
| استناد: | ناشر: دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران. |

مقدمه

یکی از سؤالاتی که از دیرباز ذهن بشر را به خود مشغول کرده و همواره مورد توجه موحدان بوده، این است که به‌راستی هدف از خلقت آدمی چیست و خداوند متعال چه غرضی از خلقت انسان داشته است. در پاسخ به این سؤال، در بین علمای اسلام دو نظر کلی به وجود آمد: عده‌ای بر این باورند که افعال خداوند متعال (اعم از تکوینی و تشریحی) و خصوص خلقت انسان و جن هدفمند است و هیچ فعلی از افعال الهی بدون غرض نیست؛ عده‌ای دیگر که در بین متکلمان اسلامی به اشاعره معروف‌اند منکر هدف و غرض خداوند متعال و معتقدند هیچ فعلی از افعال الهی و حتی خلقت انسان و جن هدف و غرض ندارد.

قرآن کریم نیز به این سؤال توجه داشته و در چند آیه به آن پرداخته است. یکی از این آیات آیه ۵۶ سوره ذاریات است که می‌فرماید: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ (ذاریات / ۵۶)؛ جن و انس را نیافریده‌ام، مگر برای آنکه من را عبادت کنند.» مفسران عدلیه (معتزله و امامیه) معتقدند که این آیه غایت و هدف خداوند متعال از خلقت انسان و جن را بیان می‌کند و اینکه خلقت آن دو بی‌هدف نبوده و خداوند متعال آنان را برای عبادت کردن و بندگی خود آفریده است. اما علمای اشعری مسلک هدف‌دار بودن آفرینش و خلقت انسان را انکار کرده‌اند و معتقدند خداوند متعال هیچ هدف و غایتی برای خلقت انسان ندارد (ر. ک: سبحانی، ۱۴۱۳ ق: ۱ / ۲۶۳).

فخر رازی به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین علمای اشاعره معتقد است که این آیه هدف و غایت خلقت را بیان نمی‌کند و آیه را به‌گونه‌ای که مطابق با نظر آنان باشد، تفسیر می‌کند. از این‌رو، در این نوشتار ابتدا استدلال و تفسیر فخر رازی از آیه را بیان می‌کنیم و سپس به تحلیل و نقد آن می‌پردازیم. بنابراین، سؤال موردتوجه این نوشتار این است که آیا آیه ۵۶ ذاریات هدف و غایت خلقت انسان و جنیان را بیان می‌کند یا خیر؟ و در صورت بیان هدف خلقت، تفسیر و نظر فخر رازی در این زمینه چیست و چه پاسخی می‌توان به آن داد؟

پیشینه

یکی از مسائل مهم موردتوجه انسان در همه دوران‌ها، مسئله شناخت خداوند متعال و اوصاف اوست. یکی از این اوصاف این است که آیا خداوند متعال برای افعال خود (اعم از تکوین و تشریح) هدف و غرضی خاص دارد یا اینکه افعال او هیچ غرض و هدفی را دنبال نمی‌کند؟ این بحث از زمان شکل‌گیری گروه‌های کلامی در قرن اول و دوم همیشه مورد توجه بوده است و درباره آن صحبت کرده‌اند. به همین دلیل، با گسترده شدن مکاتب و مباحث کلامی، این بحث نیز جایگاه ویژه‌ای در کتب کلامی یافت و در

قرن سوم و چهارم به یکی از مهم‌ترین مباحث مورداختلاف بین مکاتب اشاعره، معتزله و امامیه تبدیل شد و از آن زمان تا زمان معاصر در تمام کتب کلامی به آن پرداخته و همیشه نقد و بررسی شده است. این بحث در بین فلاسفه و عرفا نیز مهم تلقی شده است و بسیاری از آنان در کتب خود بدان پرداخته و درباره آن ابراز نظر کرده‌اند (ر.ک: مرتضی رضایی، مقاله «چیستی آفرینش از نگاه ملاصدرا»؛ مرجان درستی مطلق و علی افضلی، مقاله «واکاوی و نقد ادله عرفا درباره هدف آفرینش»). در زمان معاصر نیز این بحث بسیار مهم بوده و فضایی معاصر در مقالات بسیاری بدان پرداخته و نظر قرآن و بسیاری از بزرگان علوم کلام و فلسفه و عرفان را تبیین یا نقد و بررسی کرده‌اند؛ مقالاتی مانند «فلسفه آفرینش انسان از دیدگاه قرآن» از مرتضی موحدی، «فلسفه آفرینش جهان و انسان از دیدگاه قرآن» از علیرضا فارسی‌نژاد و حامد دژآباد. حتی برخی معاصران در این زمینه کتاب نگاشته و با تفصیل بیشتری از هدف آفرینش و خصوص انسان صحبت کردند. کتبی مانند *فلسفه خلقت* از عبدالله نصیری، *هدف خدا از خلقت* از مرتضی پویان و *هدف زندگی* از شهید مطهری را می‌توان نام برد.

اما نگارنده مقاله یا کتابی را نیافته است که در خصوص نظر فخر رازی ذیل آیه ۵۶ سوره ذاریات صحبت کرده و نظر این عالم اهل سنت را ارزیابی کرده باشد. به همین سبب، در این نوشتار به تبیین و نقد و بررسی نظر این عالم بزرگ اهل سنت در خصوص آیه ۵۶ سوره ذاریات پرداخته و بیان خواهد شد که آیا ایشان هدف از خلقت انسان را می‌پذیرد یا خیر. سپس ادله ایشان تبیین خواهد شد و درنهایت به نقد و بررسی نظر ایشان خواهیم پرداخت. چون در بین علمای اهل سنت و مکتب اشاعره، فخر رازی جایگاه ویژه و قابل‌ملاحظه‌ای دارد، نقد و بررسی نظر ایشان بسیار مهم و ضروری است.

بررسی آیه

قرآن کریم در آیه ۵۶ سوره ذاریات می‌فرماید: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ». بسیاری از ادیبان شیعه و اهل سنت معتقدند: واو حرف عطف است و احتمال دارد استیناف باشد، ما حرف نفی، خلقت فعل ماضی، «ال» حرف تعریف، جن اسم جامد، واو حرف عطف، «ال» حرف تعریف، انس اسم جامد، «إلا» ادات حصر و استثنا، لام حرف تعلیل و یعدون فعل مضارع است که اصل آن یعبدون بوده و نون وقایه آن حذف شده است. همچنین «یاء» ضمیر تکلم محذوف است (آدینه‌وند لرستانی، ۱۳۷۷: ۶ / ۲۲۱؛ کرباسی، ۱۴۲۲ ق: ۷ / ۶۰۱؛ شیخلی، ۱۴۲۷ ق: ۹ / ۵۳۱؛ علوان، ۱۴۲۷ ق: ۴ / ۲۳۱۰). بنابراین، معنای آیه این است: «جن و انس را نیافریدم جز برای اینکه عبادتم کنند». بر این اساس، ظاهر آیه بدون پیش‌داوری این است که خداوند متعال از خلقت انسان هدف دارد و هدف و غرض او نیز عبادت است.

برخی از ادبا «ل» در «لِیَعْبُدُونَ» را لام عاقبت معنا کرده‌اند (دعاس، ۱۴۲۵ ق: ۳ / ۲۶۷) که با این تفسیر، معنای آیه این‌چنین خواهد بود: «جن و انس را خلق نکردم، مگر اینکه درنهایت من را عبادت خواهند کرد.» شیخ الطائفه در پاسخ به این افراد می‌نویسد: «ما نمی‌توانیم لام را عاقبت معنا کنیم؛ چراکه به‌طورقطع و یقین می‌دانیم بسیاری از انسان‌ها بدون عبادت خداوند متعال و اطاعت از او از دنیا می‌روند» (طوسی، بی‌تا: ۹ / ۳۹۸). بر این اساس، نمی‌توان لام را در «لِیَعْبُدُونَ» لام عاقبت معنا کرد؛ چون در آن صورت، باید همه جن و انس درنهایت خداوند متعال را عبادت و اطاعت می‌کردند و از دنیا می‌رفتند و جهنمی هم وجود نداشت، و حال آنکه هم مخالف وجدان است هم مخالف بسیاری از آیات قرآن که از وجود انسان‌های بسیاری در جهنم خبر داده است که بر اساس نافرمانی خداوند متعال به جهنم رفته‌اند.

زمخشری نیز «لام» را لام تعلیل و غرض معنا کرده و معتقد است آیه بیان می‌کند خداوند جن و انس را خلقت نکرده است، مگر به خاطر عبادت او. سپس می‌گوید: ممکن است برخی اشکال کنند که اگر غرض الهی از خلقت انسان و جن عبادت خداوند است، خداوند مرید است و عبادت بندگان مراد او و بدون شک تحقق پیدا خواهد کرد؛ چون اراده الهی تخلف‌ناپذیر است و این مطلب خلاف واقع است. ما در پاسخ می‌گوییم: خداوند عبادت را از آنها خواسته است، درحالی‌که مختار باشند نه مضطر؛ زیرا خداوند جن و انس را خلق کرده و قدرت و توان عبادت را نیز به آنها داده و آنها را مختار قرار داده است تا راه عبادت را در پیش گیرند و برخی نیز با سوء اختیار خود مسیر نافرمانی را طی می‌کنند (زمخشری، ۱۴۰۷ ق: ۴ / ۴۰۶). مرحوم طبرسی نیز می‌گوید اینکه غرض خداوند متعال بندگی و عبادت اوست، با نافرمانی برخی افراد نقض نمی‌شود؛ زیرا اگر کسی غذای خوبی مهیا و دیگران را به صرف غذا دعوت کند و عده‌ای از آن غذا نخورند، هدف او نقض نشده است و نمی‌توان صاحب غذا را به سفاهت و نادانی متصف کرد؛ چراکه هدف او متنعم شدن دیگران از غذاست و اگر کسی خودش مانع این تنعم شود، با اختیار خود است و خللی در غرض صاحب غذا ایجاد نمی‌کند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۹ / ۲۴۴).

درنتیجه، بدون شک آیه ظهور در تعلیل و غرض دارد و معنای ظاهری آیه چنین است: من جن و انس را خلق نکردم مگر برای اینکه عبادتم کنند. حال باید دید آیا دلیل قانع‌کننده‌ای وجود دارد که از این ظهور دست برداشت و لام را به نحو دیگری معنا کرد یا خیر؟ فخر رازی مدعی است این لام، لام غرض نیست و این آیه دال بر هدف و غرض الهی از خلقت نیست که در ادامه به تبیین آیه از دیدگاه وی و نحوه استدلال ایشان خواهیم پرداخت، سپس آن را نقد و بررسی خواهیم کرد.

تفسیر آیه از دیدگاه فخر رازی

فخر رازی در تفسیر آیه ابتدا نکاتی را بیان می‌کند که ربطی به این نوشتار ندارد. سپس می‌نویسد:

نقد و بررسی نظر فخر رازی در مورد هدف خلقت انسان با محوریت آیه ۵۶ سوره ذاریات □ ۱۳۱

المسألة الثالثة: فعل الله تعالى ليس لغرض وإلا لكان بالغرض مستكملاً وهو في نفسه كامل فكيف يفهم لأمر الله الغرض والعلّة؟ نقول المعتزلة تمسكوا به، وقالوا أفعال الله تعالى لأغراض (رازی، ۱۴۲۰ ق: ۲۸ / ۱۹۲).

مسئله سوم: فعل الهی برای غرض نیست، زیرا اگر غرض داشته باشد، به وسیله این غرض تکامل می‌یابد، درحالی‌که ذاتش کامل است و هیچ نقصی ندارد. پس چگونه است که از امر الهی غرض و علت فهمیده می‌شود؟ معتزله به این آیه تمسک کرده و می‌گویند افعال خداوند متعال دارای غرض است.

بر این اساس، فخر رازی معتقد است این آیه هرگز دال بر هدف و غرض الهی از خلقت انسان نیست و برای اثبات نظریه خود دو استدلال ارائه می‌کند که یکی عقلی - کلامی است که حاصل تفکر و مبنای او در علم کلام است و پیش‌فرض او در این تفسیر است و دیگری دلیل ادبی و تفسیری است. اما به نظر می‌رسد همین مبنای کلامی فخر رازی علت اصلی تفسیر او از آیه است. بنابراین، اگر این مبنای فکری او پاسخ داده شود، دیگر ادله ایشان در تفسیر آیه نیز قابل توجیه است.

۱. دلیل عقلی - کلامی

فخر رازی در تفسیر خود ذیل آیه ۵۶ ذاریات، تنها به مطلب و مبنایی که در علم کلام اتخاذ کرده اشاره می‌کند و از تفصیل دادن بحث می‌پرهیزد و در چند سطر به صورت خلاصه می‌گوید چون خداوند متعال کامل است و جامع جمیع کمالات، هیچ غرض و هدفی از افعال خود ندارد و هر کاری انجام می‌دهد بر اساس حق و درستی و قطعاً صحیح است، ولی هدفی خاص ندارد؛ چون هرکسی که کاری انجام می‌دهد و هدفی خاص دارد، آن هدف سبب تکامل او و برطرف شدن نقصش می‌شود، و خداوند کامل است. پس هیچ غرضی ندارد (همان).

اما در دیگر آثارش به تفصیل به بحث پرداخته و ادله بیشتری را بیان کرده است. به‌طور مثال در کتاب

الاربعین فی اصول الدین در این باره می‌نویسد:

اتفقت المعتزلة: علي أن أفعال الله تعالى وأحكامه معللة برعاية مصالح العباد. وهو اختيار أكثر المتأخرين من الفقهاء. وهذا عندنا باطل (رازی، بی‌تا: ۱ / ۳۵۰).

تمام معتزله می‌گویند: افعال و احکام الهی بر اساس مصالح بندگان جعل شده‌اند (غرض خداوند متعال از فعل یا حکم خود رعایت مصالح و مفساد عمومی مردم است) و این مطلب نظر بسیاری از فقهای متأخر است، اما این نظر به پنج دلیل در نزد ما باطل است.

سپس به تبیین دلایل خود می‌پردازد:

دلیل اول، استکمال خداوند: اولین دلیل وی همان مطلبی است که در تفسیر آیه بیان کرده است. اینجا نیز می‌نویسد:

هرکسی که فعلی را انجام می‌دهد، برای کسب مصلحت یا دفع مفسده‌ای است که بر آن فعل متوقف است. بنابراین، اگر تحصیل آن مصلحت برای او اولویت داشته باشد، آن فعل را انجام می‌دهد و با انجام آن فعل، مصلحت موجود در فعل را به دست می‌آورد و هر موجودی که چنین باشد، در ذات خود ناقص است و با این فعل تکامل می‌یابد؛ و این مطلب درباره خداوند متعال محال است.

پاسخ: علمای امامیه به این اشکال دو پاسخ داده‌اند:

پاسخ اول: زمانی این سخن درست است که غرض به خود شخص برگردد و فاعل فعل را به نیت برآورده شدن حاجتی از حاجات ذات خود انجام دهد، اما اگر غرض به فعل برگردد، چنین لازمه‌ای ندارد و استکمالی به وجود نمی‌آید (حلی، ۱۳۸۲: ۶۴). درواقع خلاصه سخن علمای شیعه این است که غرض خداوند از خلقت موجودات به خود آنها برمی‌گردد. به‌طور مثال درباره خلقت انسان باید گفت: غرض به خود انسان برمی‌گردد، نه به ذات باری تعالی. به عبارت دیگر، خداوند متعال خلق کرده است تا نفعی به انسان برساند و در خود او هیچ نیاز و هیچ نقصی وجود ندارد که با این خلقت برطرف شود؛ درست مانند طبیب ماهری که بیمار خود را درمان می‌کند: درمان بیمار هیچ سودی برای او ندارد یا مانند معلمی که به دانش‌آموز خود علم و دانش تعلیم می‌دهد: او با تعلیمش هیچ استکمالی را نمی‌جوید و در ذات او ذره‌ای تکامل ایجاد نمی‌شود؛ زیرا آن مطالب را قبلاً یاد گرفته است و تکرار آن مطالب چیز جدیدی نخواهد بود. فخر رازی در کتاب دیگر خود به این پاسخ امامیه پاسخ می‌دهد. وی در کتاب *المحصل* می‌نویسد:

هر غرضی که فرض شود، جزء ممکنات است و خداوند متعال می‌تواند بدون وساطت آن غرض، نتیجه آن را ابتدائاً ایجاد کند. بنابراین، واسطه شدن غرض عبث و بیهوده است. اگر هم بگویید آن غرض بدون واسطه ایجاد نمی‌شود، در پاسخ می‌گوییم غرض مولا چیزی نیست مگر رساندن عبد به لذت خود، و این رساندن نیز مقدر خداست و بدون واسطه چیزی امکان‌پذیر است (رازی، بی‌تا: ۴۸۳).

در این عبارت فخر رازی می‌خواهد بگوید: رساندن بندگان به کمال و رشد و تعالی یا رحمت و لذت و هر چیزی که به‌عنوان غرض بیان شده، برای خداوند ممکن است و خداوند بدون آن عمل نیز بنده خود را به آن نتیجه می‌رساند. لذا غرض داشتن لغو و بیهوده است. به‌طور مثال خداوند متعال می‌خواهد انسان با نماز خواندن به معراج برسد. در این صورت خداوند انسان را بدون نماز هم به معراج می‌رساند.

محقق طوسی نیز در کتاب *نقد المحصل* پاسخ می‌دهد:

اینکه گفته است غرض خداوند تنها رساندن بندگان به لذت است و ایجاد این لذت، بدون عمل نیز مقدور است، سخن کلی نیست؛ زیرا به‌طور مثال هیچ‌گاه لذتی که از گرفتن اجرت کسب به دست می‌آید، بدون کسب امکان ندارد که ایجاد شود؛ یعنی ابتدا باید زحمتی کشید سپس مزد آن زحمت را گرفت تا لذت اجرت کسب حاصل شود و بدون زحمت هرگز این لذت ایجاد نمی‌شود؛ ثانیاً قائلین به اغراض می‌گویند: غرض سوق دادن اشیای ناقص به سمت کمالات است و برخی از این کمالات هیچ‌گاه بدون این سوق دادن حاصل نمی‌شوند؛ مانند اینکه جسمی از جایی به جای دیگری منتقل نمی‌شود، مگر با حرکت دادن آن جسم، لذا انتقال جسم، غرض از حرکت جسم است و این انتقال بدون حرکت امکان‌پذیر نیست. بنابراین، حاصل شدن برخی از اغراض بدون عمل محال است (طوسی، ۱۴۰۵ ق: ۳۴۴).

نگارنده بر این اعتقاد است که واقعاً پاسخ فخر رازی مناسب نیست؛ چراکه اگر خداوند متعال می‌خواست انسان را با تمام کمالات خلق کند، این کار را انجام می‌داد و آمدن انسان با قوه و استعداد آن کمالات، سپس آمدن انبیا و شریعت برای آگاه کردن انسان و حرکت دادن او به سمت رشد و تعالی کاملاً لغو و بیهوده بود. پس رسیدن به رشد و تعالی و معراج و کمالات انسانی بدون انجام عمل صالح و دستورهای الهی امکان‌پذیر نیست. از این‌رو، بدون شک خداوند متعال از خلقت انسان و آوردن آدمی در دار تکلیف و این دنیای مادی و آمدن انبیا و نزول کتب آسمانی و... بدون غرض نیست و غرض رشد و تعالی انسان است که تنها در سایه بندگی خداوند متعال حاصل می‌شود؛

پاسخ دوم: نبود غرض در فعل الهی به معنای عبث و بیهوده بودن فعل است و کار عبث نیز از موجود حکیم قبیح است و خداوند متعال هرگز کار قبیح انجام نمی‌دهد (همان). بنابراین، اگر فعل الهی را خالی از هدف و غرض بدانیم، بدون شک باید فعل او را بیهوده و عبث دانست، و خود اشعری نیز بدین مطلب ملتزم نیست. پس نمی‌توان تنها با این دلیل که وجود غرض در فاعل تکامل ایجاد می‌کند، غرض و هدف از فعل را نفی کرد؛ چراکه در این صورت، به عبث بودن فعل گرفتار خواهیم شد.

پاسخ فخر رازی به این اشکال: وی در کتاب *المحصل* در پاسخ به لغویت می‌نویسد:

إن أردت، بالعبث، الخالي عن الغرض، فهذا استدلال بالشّيء علي نفسه، وإن أردت غيره فبينه (رازی، بی‌تا: ۴۸۴).

اگر منظور شما از عبث فعل خالی از غرض است، این استدلال به مطلب با خود آن مطلب است (مصادره به مطلوب است). اگر هم منظور شما چیز دیگری است، باید تبیین کنید.

در کتاب **المطالب العالیه** نیز در رد عبث بودن فعل الهی می‌نویسد:

إن كل من تصرف في ملك نفسه، كان تصرفه عدلاً صواباً ومنزهاً عن الباطل والعبث. وما
سوي الله فإنه ملكه، فلم يكن تصرفه علي جميع التقديرات إلاّ حقاً صواباً (رازی، ۱۴۰۷ ق:
۹ / ۳۲۷).

تمام تصرفات او در ملک خود اوست و این تصرفات عدل و صواب و درست است و هرگز
باطل و عبث نیست. ماسوی‌الله نیز ملک اوست و تصرفاتش بنا بر هر صورتی که باشد،
بدون شک حق است و درست.

به نظر نگارنده، این پاسخ فخر رازی خارج شدن از بحث و فرافکنی است؛ چراکه واقعاً پاسخ مناسبی
برای بحث نیست. محقق طوسی نیز در کتاب **تلخیص المحصل** به این قسمت عبارت پاسخ نمی‌دهد؛
چون واقعاً سخن نادرستی است؛ چراکه سؤال این است که تصرف خداوند در ملک خود و در مخلوقاتش،
آیا معیار و هدفی ندارد؟ آیا بدون هیچ غرض و دلیلی تصرف می‌کند و کاری انجام می‌دهد؟ آیا بدون
دلیل کسی را مریض می‌کند و شخص دیگری را شفا می‌دهد؟ آیا بدون هیچ دلیلی شخصی را عذاب و
شخص دیگری را پاداش می‌دهد؟ آیا بدون هیچ دلیلی شخصی را پیامبر و شخص دیگری را فرعون
می‌کند و هیچ هدف و غرضی از افعال خود ندارد؟ چنین حکمی به دور از انصاف است و با اوصاف
واجب‌الوجود سازگاری ندارد. حتی خود اشعری نیز بدین لوازم ملتزم نیست؛ چراکه خود فخر رازی در
پاسخ به این سؤال که در قرآن آیات زیادی درباره باطل نبودن خلقت آمده است می‌نویسد:

قوله تعالی: «وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بَاطِلًا. ذَلِكَ ظَنُّ الَّذِينَ كَفَرُوا» فنص علي
أن من اعتقد أنه تعالی خلق باطلا، فقد كفر (همان).

آیه «و ما آسمان و زمین و آنچه را میان آنهاست بیهوده نیافریده‌ایم. این پندار کافران
است» نص در این مطلب است که هرکس معتقد باشد خداوند متعال خلقتی باطل و
بیهوده دارد، بدون شک کافر شده است.

جالب است که در این عبارت فخر رازی معتقد است: هرکس بگوید افعال و خلقت خداوند بیهوده و
باطل است، از دین خارج شده و کافر است؛ یعنی خود او نیز می‌داند که گفتن این سخن که خلقت بیهوده
است، سخنی نادرست و مخالف اوصاف ذات باری تعالی است و سبب خروج از اسلام می‌شود.

بنابراین، اشعری و خود فخر رازی نیز قبول دارند که خلقت آسمان و زمین و به‌طور کلی فعل الهی
باطل و بیهوده نیست، اما نمی‌توانند بپذیرند که دارای غرض و هدف است. از این‌رو، سؤال این است که
اگر هدف و غرض ندارد، چگونه از عبث بودن خارج می‌شود؟ ملاک شما برای عبث نبودن فعل چیست؟

نقد و بررسی نظر فخر رازی در مورد هدف خلقت انسان با محوریت آیه ۵۶ سوره ذاریات □ ۱۳۵

نمی‌توان تنها با این سخن که او خداست و هر کاری انجام می‌دهد حق است، فعل را از عبث و بیهوده بودن خارج کرد. بنابراین، سؤال همچنان باقی است: چرا خداوند متعال فعلی را انجام می‌دهد و چرا در ملک خود این‌گونه و به نحو خاص تصرف می‌کند؟ قطعاً ملاک دارد و بدون دلیل و هدف نخواهد بود؛

دلیل دوم، به وجود آمدن تسلسل: وی در توضیح این دلیل می‌نویسد:

لو كانت موجدية الله تعالی معللة بعلة، لكانت تلك العلة. ان كانت قديمة لزم من قدمها قدم الفعل. وهو محال. وان كانت محدثة، افتقر كونه تعالی موجدا لتلك العلة، الي علة آخري. فيلزم التسلسل. وهو محال (رازی، بی تا: ۱ / ۳۵۰).

اگر موجدیت (به وجود آوردن) خداوند معلل به علتی باشد، آن علت، یا قدیم است، که در این صورت، باید فعل الهی نیز قدیم باشد و این مطلب محال است یا محدث است که در این صورت خود آن علت، علت دیگری لازم دارد و تسلسل به وجود خواهد آمد، که محال است.

در این دلیل فخر رازی می‌گوید: اگر خلقت خداوند علت دارد، خود آن علت، یا قدیم است یا محدث. اگر محدث باشد، چون نبوده و به وجود آمده، خودش نیازمند علت دیگری است و آن علت دیگر نیز علتی لازم دارد، و همین‌طور تا بی‌نهایت که تسلسل لازم آید. اگر بگوییم علت قدیم است، لازم می‌آید که خلقت و فعل الهی قدیم باشد؛ چون علت وجود دارد و علت بدون معلول هم امکان ندارد؛ و چون هر دو صورت مسئله اشکال دارد، اصل مسئله اشکال دارد. در نتیجه فعل الهی هیچ علتی ندارد.

نگارنده معتقد است این سخن فخر رازی خلط بین فعل و نتیجه حاصل از فعل است. عدلیه که معتقد است خداوند متعال در افعال خود غرض و هدفی خاص دارد، منظورشان این است که فعل الهی عبث و بیهوده نیست و قبل از خلق آن موجود یا قبل از جعل آن حکم، داعی بر فعل وجود دارد؛ یعنی علت و انگیزه‌ای برای انجام آن فعل وجود دارد. به دیگر عبارت، فعل و حکم الهی بدون اثر و نتیجه نیست. بدون شک اثری مثبت یا منفی بر آن مترتب است و همان اثر مترتب بر فعل علت و هدف خداوند متعال برای انجام فعل است. به‌طور مثال، خداوند متعال می‌داند که خوردن شراب برای انسان ضرر دارد و عقل انسان را زائل می‌کند. پس چون این اثر را دارد، نوشیدن شراب را حرام کرده است. دیگر صحیح نیست که گفته شود آیا زائل شدن عقل علت دیگری دارد یا خیر؟ زایل شدن عقل اثر و نتیجه نوشیدن شراب است؛ یا اینکه خداوند متعال انسان را خلق کرده که با اراده و اختیار خود مسیر عبودیت را طی و رشد کند و به نعمت‌های الهی در جهان آخرت دست یابد. رشد و تعالی نتیجه انجام دستورهای خداوند و بندگی اوست. دیگر نمی‌توان برای آن علت دیگری در نظر گرفت؛

دلیل سوم، لغویت وسایط: وی در توضیح این دلیل می‌نویسد:

ان جميع الأغراض، يرجع حاصلها الي شيئين: تحصيل اللذة والسرور، ودفع الألم والحزن. والله تعالي قادر علي تحصيل هذين المطلوبين ابتداء من غير شيء من الوسائط (همان: ۳۵۱).

حاصل تمام اغراض، یا حصول لذت و سرور است یا دفع درد و حزن؛ و خداوند متعال قادر است این دو مطلوب را بدون هیچ واسطه‌ای ایجاد کند و تحصل آن دو مطلوب با وسایط برای خداوند آسان‌تر از بدون وسایط نیست. بنابراین، وجود وسایط لغو و بیهوده است. به همین خاطر، خداوند متعال هیچ غرض و هدفی از افعال خود ندارد.

این دلیل درواقع همان پاسخ به عدلیه است که در دلیل اول گذشت و فخر رازی اینجا به صورت مستقل آن را مطرح کرده است. در پاسخ گفته شد اولاً لذت برخی اعمال، مانند لذت گرفتن اجرت، تنها با انجام دادن آن عمل حاصل می‌شود؛ ثانیاً کل خلقت انسان در لذت و دفع الم خلاصه نمی‌شود و هدف رشد و تعالی انسان در سایه اختیار و عملکرد اوست؛

دلیل چهارم، اختصاص دادن خلقت به زمان مشخص: «اگر خلقت الهی معلل به اغراض باشد، بدون شک خلقت الهی در زمان مشخصی بوده که در آن زمان مصالح و غرض الهی رعایت شده است. حال آن غرض و مصلحت، یا قبل از آن زمان حاصل بوده، که در این صورت غرض قبل از خود فعل حاصل شده که محال است یا غرض قبل از زمان تحقق فعل حاصل نبوده، که در این صورت خود غرض نیز چون در زمانی خاص ایجاد شده، بدون شک نیازمند غرض دیگری است و سخن درباره آن غرض تکرار خواهد شد و تسلسل لازم می‌آید. در نتیجه فعل الهی معلل به اغراض نیست» (همان).

پاسخ: در پاسخ این دلیل نیز مانند دلیل دوم می‌گوییم این اشکال ناشی از خلط بین فعل و نتیجه حاصل از فعل است. غرض از فعل نتیجه و اثر حاصل از فعل در خارج است که خودش دیگر نیازمند غرض جدیدی نیست، بلکه عکس‌العمل خود فعل است که تفصیل آن بیان شد؛

دلیل پنجم، مجبور بودن انسان: فخر رازی در شرح این دلیل می‌گوید: قبلاً در بحث خلق افعال اثبات کردیم که هیچ موجدی غیر از خداوند وجود ندارد. پس خیر و شر و کفر و ایمان و... همه با ایجاد و خلقت اوست. زمانی که چنین است، توقف خالقیت خداوند بر رعایت مصالح و اغراض ممتنع است (همان: ۳۵۲). دیگر توضیح نمی‌دهد که چرا ممتنع است.

پاسخ: اولاً مبنای شما درباره افعال اختیاری انسان درست نیست و انسان در افعال خود مختار است و فعل انسان، هم با نیروی خداوند متعال انجام می‌شود هم با نیروی انسان، که در جای خودش بحث شده است و بحث از آن در این نوشتار نمی‌گنجد؛ ثانیاً همه علمای اسلام اعم از معتزله و اشاعره و امامیه،

فاعلیت تام الهی به امور تکوینی را قبول دارند. بدون شک خداوند در مقام تکوین خالق تمام اموری است که در جهان رخ می‌دهد و در علم کلام به «توحید در خالقیت» معروف است، اما در عین حال، عدلیه معتقد است این خلقت بدون غرض نیست. بدون شک خداوند متعال کار بیپرده و لغو انجام نمی‌دهد. پس باید از خلقت خود هدفی مشخص و غرضی خاص داشته باشد. بنابراین، ولو اینکه قائل به جبر انسان و فاعلیت تام و مباشر الهی در تمام افعال باشیم، باز نیازمند غرض و هدف هستیم و این دلیل ربطی به نفی غرض نخواهد داشت.

در نتیجه: فخر رازی و دیگر اشاعره تلاش می‌کنند که بگویند تمام افعال الهی بدون غرض و هدف هستند و از جمله این افعال خلقت انسان و جن است. اما پنج دلیلی که فخر رازی در تبیین نظریه خود و اصحابش بیان کرده، مخدوش است و نمی‌تواند مدعای آنان در نفی غرض از افعال الهی را توجیه کند. بنابراین، مبنای آنان نادرست است و باید گفت بدون شک فعل الهی و خصوص خلقت انسان و جن، دارای غرض و هدف است و هرگز بیپرده نخواهد بود، و زمانی که مبنای کلامی وی مخدوش باشد، بدون شک تفسیری که از آیه ارائه می‌دهد و بر مبنای نادرست او استوار است نیز مخدوش و نادرست خواهد بود. از این رو، می‌توان نتیجه گرفت که تفسیر ایشان از آیه غلط است.

۲. دلیل تفسیری و ادبی

تعلیل لفظی است، نه معنوی. وی در توضیح این مطلب می‌نویسد: تعلیل لفظی و حقیقی است و لفظی آن چیزی است که ناظر لفظ را در آن به کار می‌برد؛ هر چند در واقعیت چنین نباشد (یعنی علت و سبب حقیقی نیست؛ فقط در لفظ و جمله تعلیل است)؛ مانند اینکه پادشاهی کشور خود را ترک کند و وارد کشور دشمن شود و قصد داشته باشد که سپاه خود را خسته کند. پس معنای مقصود او همین است؛ هر چند بگوید من فقط برای ثواب یا بهره‌مندی از کار خیر سفر کردم؛ و اگر کسی بگوید او برای تصرف کشور دشمن و ترساندن او بیرون رفته است، راست می‌گوید. بنابراین، تعلیل لفظی این است که منفعتی را که بر عملی خاص مترتب است دلیل بدانیم، نه خود عملی که منفعت در آن وجود دارد. به‌طور مثال می‌گویند: من برای سود معامله می‌کنم؛ اگرچه در واقعیت برای آن سود نباشد. سپس می‌نویسد: حقایق عالم برای مردم شناخته‌شده نیستند، و آنچه از نصوص فهمیده می‌شود، معانی لفظی آنهاست و اگر شیء منفعتی داشته باشد، صحیح است آن را علت بدانیم، البته از حیث لفظ؛ و این تعلیل در کلام خداوند مانند تمنی و ترجی در کلام اوست. سپس برای تعلیل لفظی در قرآن چند مثال می‌زند: «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ (اسراء / ۷۸)؛ از هنگام زوال خورشید تا آن‌گاه که تاریکی شب فرامی‌رسد نماز را

بر پای دار»؛ «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ (طلاق / ۱)؛ ای پیامبر، زمانی که خواستید زنان را طلاق دهید، آنان را در زمان عده طلاق دهید» و می‌گوید که مراد از «لام» در هر دو آیه مقارنت است نه تعلیل حقیقی. سپس به آیه برمی‌گردد و می‌گوید: اینجا نیز منظور تعلیل حقیقی نیست و مقارنت مد نظر بوده است؛ یعنی بندگان خدا با عبادت و بندگی به خداوند متعال نزدیک می‌شوند. به همین خاطر، عبادت بر آنها واجب شده است.

وی در ادامه مطلب می‌گوید:

دلیل ما بر اینکه تعلیل در آیه حقیقی نیست، این است که خداوند متعال از تمام منافع بی‌نیاز است. پس عمل او برایش منفعتی ندارد؛ نه منفعتی که به خود او برگردد نه منفعتی که به غیر او برگردد؛ زیرا خداوند متعال قادر است بدون واسطه شدن عمل، به دیگران نفع برساند (رازی، ۱۴۲۰ ق: ۲۸ / ۱۹۳).

بنابراین، دلیل دوم فخر رازی در تفسیر آیه این است که تعلیل در آیه حقیقی نیست و مجازی است. از این رو، به نظر می‌رسد ایشان نیز می‌پذیرد که «لام» در آیه لام تعلیل است، اما تعلیل را حقیقی نمی‌داند و معتقد است تعلیل مجازی و تنها در لفظ است و در واقع و نفس‌الامر چنین تعلیل و سببیتی وجود ندارد و دلیل او بر اینکه چرا تعلیل حقیقی نیست نیز این است که خداوند متعال بی‌نیاز مطلق است و هیچ منفعتی در کار او وجود ندارد؛ نه منفعتی که به ذات برگردد نه منفعتی که به فعلش، یعنی انسان یا جن، برگردد. در نقد این سخن باید گفت در واقع این دلیل هم به دلیل اول برمی‌گردد و دلیل جدیدی نیست و فخر رازی دلیل عقلی جدید یا نقلی یا ادبی بر مدعای خود مطرح نمی‌کند و همان دلیل اول را دوباره تکرار می‌کند، که نقد آن گذشت.

نگارنده بر این عقیده است که این مطلب که تعلیل در کلام گاهی مجازی و گاهی حقیقی است، نکته درستی است، اما استفاده ایشان در این مقام صحیح نیست؛ زیرا ما از قراین و شواهد موجود در کلام تعلیل مجازی را درمی‌یابیم، و اگر قرینه‌ای نباشد، باید حمل بر تعلیل حقیقی کنیم. اینجا فخر رازی هیچ دلیلی ارائه نکرده است که کلام را از معنای حقیقی خود به معنای مجازی سوق دهد، و قاعده «اصاله الحقیقه» جاری شده و می‌گوید اصل بر این است که تعلیل حقیقی مد نظر باشد، نه مجازی؛ چراکه قاعده اصاله الحقیقه می‌گوید هرگاه در معنای لفظی شک کردیم که آیا معنای حقیقی اراده شده یا معنای مجازی، اصل این است که معنای حقیقی اراده شود؛ چراکه اگر منظور متکلم معنای مجازی بود، باید با آوردن قرینه مقالیه یا حالیه منظور خود را روشن می‌ساخت (مظفر، ۱۳۷۵: ۱ / ۲۹).

بنابراین، هرگاه تعلیل مجازی باشد، لازم است متکلم در کلام خود قرینه‌ای ذکر کند تا مخاطب

معنای کلام او و تعلیل مجازی را متوجه شود یا اینکه دلیلی عقلی و برهانی موجود باشد تا با استفاده از آن بتواند معنای مجازی را بر حقیقی ترجیح دهد. اما در اینجا هر دو قرینه مفقود است و باید کلام را بر معنای حقیقی، یعنی تعلیل حقیقی، حمل کنیم. آیاتی که به‌عنوان مثال نیز ارائه کرده است، قابل قبول نیست؛ زیرا در آن آیات قرآینی از خود کلام یا از بیرون وجود دارد که تعلیل حقیقی مد نظر نیست. لذا قیاس این آیه با آنان صحیح نیست. بنابراین، دلیل دوم فخر رازی مبنی بر مجازی بودن تعلیل در این آیه، ادعایی بدون دلیل است و نمی‌تواند مدعای ایشان را اثبات کند.

اشکال: اگر «لام» در آیه «لام» غرض باشد، غرض و مراد خداوند از خلقت جن و انس عبادت اوست و قطعاً تخلف مراد الهی از اراده ایشان جایز نیست، درحالی‌که می‌بینیم بسیاری از جن و انس او را عبادت نمی‌کنند. بنابراین، لام غرض نیست.

پاسخ: این اشکال زمانی صحیح است که «ال» در جن و انس، «ال» استغراق باشد و همه انس و جن را دربرگیرد. در این صورت، عدم عبادت برخی از آنها با اراده الهی منافات دارد. اما قول صحیح این است که «ال» در این دو، «ال» جنس است، نه استغراق؛ یعنی جنس انس و جن را برای عبادت خلق کردیم و اگر برخی از آنها عبادت کنند نیز مراد الهی تحقق پیدا کرده و آیه صحیح است. بنابراین، منظور از جن و انس در آیه همه افراد این دو نوع نیست، بلکه منظور این است که جن و انس فی‌الجمله عبادت خواهند کرد و همین مقدار محقق‌کننده اراده مولاست (طباطبایی، ۱۳۹۰ ق: ۱۸ / ۳۸۷).

معنای عبادت

فخر رازی در آخرین بحثی که ذیل آیه دارد به تفسیر «لِیَعْبُدُونَ» و معنای عبادت می‌پردازد. وی در توضیح عبادت می‌نویسد: «التعظیم لأمر الله والشفقة علی خلق الله، فإن هذين النوعين لم یخل شرع منهما؛ بزرگداشت امر الهی و مهربانی و دل‌سوزی برای خلق خدا؛ هیچ شریعتی از این دو مورد خالی نیست.» سپس در ادامه مطلب می‌نویسد: چون عبادتی که لایق خداوند متعال است با عقل قابل شناسایی نیست، باید خود خداوند متعال آن را بیان کند. به همین سبب، ما به شرایع آسمانی نیازمندیم و باید از شرایع و کتب و انبیای الهی تبعیت کنیم و عبادتی را که با شکل و هیئت خاص و در زمان و مکان خاص از ما خواسته شده است انجام دهیم. بنابراین، فخر رازی معتقد است عبادت در آیه همان تبعیت از شرایع آسمانی در هر زمانی است (رازی، ۱۴۲۰ ق: ۲۸ / ۱۹۳).

علامه طباطبایی نیز معتقد است حقیقت عبادت این است که عبد در مقابل خداوند متعال خود را خوار و ذلیل ببیند و صورت خود را به سمت خداوند بگرداند و همین مطلب نیز مراد کسانی است که می‌گویند

عبادت یعنی معرفت؛ چراکه منظور معرفت حاصل از عبادت است، و این عبادت غرض میانی از خلقت است و هدف این است که انسان از خود و از تمام چیزهایی که او را از خداوند غافل می‌کنند، کَنده شود و فقط به یاد او باشد (طباطبایی، ۱۳۹۰ ق: ۱۸ / ۳۸۸).

به نظر نگارنده، حقیقت و جوهره عبادت تسلیم شدن در برابر اراده و خواست خداوند متعال است؛ به نحوی که انسان خواسته و حوائج خود را کنار بگذارد و تنها چیز مهم برای او خواست خدا و اوامر و نواهی او باشد.

نتیجه

عدلیه معتقد است که خلقت انسان و جن بی‌هوده نبوده و هدفمند است و برای این مطلب به آیات قرآن نیز استناد کرده‌اند. یکی از این آیات آیه ۵۶ سوره ذاریات است که می‌فرماید: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» بدین شرح: «لام» در «لِيَعْبُدُونِ» لام غرض است و منظور از آیه این است که خداوند متعال جن و انس را خلق نکرده است، مگر برای عبادت؛ یعنی عبادت و بندگی هدف و غرض خداوند متعال از خلقت آن دو است.

فخر رازی، از بزرگ‌ترین علمای اشاعره، با این تفسیر مخالفت کرده و معتقد است خداوند چون کامل است و بی‌نیاز از غیر، هیچ‌گونه هدف و غرضی از فعل خود ندارد؛ چراکه هر هدف و غرضی ناشی از نقص است و به منظور تکامل ذات ایجاد می‌شود و خداوند متعال چون کامل است، هیچ نقصی ندارد و در نتیجه هیچ هدفی هم ندارد. وی با این مبنا به سراغ آیه آمده و می‌گوید: «لام» در «لِيَعْبُدُونِ» لام غرض نیست و لام عاقبت است. در نهایت می‌گوید اگر هم لام غرض باشد، به معنای غرض و هدف حقیقی نیست و تنها غرض لفظی و مجازی بوده است.

در پاسخ به فخر رازی گفته شد که ذات خداوند کامل و بی‌نیاز است، اما هدف و غرض به فعل او برمی‌گردد؛ یعنی خداوند متعال جن و انس را خلق کرد تا با عبادت و بندگی به رشد و تعالی برسند. از این رو، هدف به ذات بر نمی‌گردد تا سبب تکامل شود. مجازی بودن غرض نیز قابل قبول نیست؛ زیرا اصل بر حقیقی بودن معنای جمله است و بدون قرینه باید بر معنای حقیقی حمل شود.

بنابراین، در این نوشتار نظر و تفسیر فخر رازی از آیه ۵۶ سوره ذاریات نقد و بررسی و تبیین شد که تفسیر او از آیه صحیح نیست و بر مبنای پیش‌فرض و مبنای کلامی نادرست او بوده است. از این رو، تفسیر صحیح تفسیر عدلیه است که آیه غرض و هدف خلقت انسان را بیان می‌کند که همان عبادت و بندگی خداوند متعال است.

منابع و مأخذ

۱. آدینه‌وند لریستانی، محمدرضا (۱۳۷۷). *کلمة الله العليا*. تهران: اسوه.
۲. حلی، حسن بن یوسف (۱۳۸۲). *کشف المراد فی شرح تجرید الإعتقاد*. تعلیقه جعفر سبحانی. قم: مؤسسه الإمام الصادق علیه السلام.
۳. درستی مطلق، مرجان و افضلی، علی (۱۳۹۵). واکاوی و نقد ادله عرفا درباره هدف آفرینش. مجله *معرفت کلامی*. ۷ (۴). ۱۱۰ - ۶۷.
۴. دعاس، احمد عبید (۱۴۲۵ ق). *اعراب القرآن الکریم*. دمشق: دار الفارابی للمعارف.
۵. رضایی، مرتضی (۱۳۹۱). چستی آفرینش از نگاه مآصدرا. مجله *معرفت فلسفی*. ۱۰ (۳). ۲۴ - ۷.
۶. زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷ ق). *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل*. بیروت: دار الكتاب العربی.
۷. شیخلی، بهجت عبدالواحد (۱۴۲۷ ق). *اعراب القرآن الکریم*. بیروت: دار الفکر.
۸. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۹۰ ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۹. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: ناصرخسرو.
۱۰. طوسی، محمد بن حسن (بی تا). *التبیان فی تفسیر القرآن*. لبنان: دار إحياء التراث العربی.
۱۱. طوسی، محمد بن محمد (۱۴۰۵ ق). *تلخیص المحصل*. بیروت: دار الأضواء.
۱۲. علوان، عبدالله بن ناصح (۱۴۲۷ ق). *اعراب القرآن الکریم*. طنطا: دار الصحابة للتراث.
۱۳. فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۰۷ ق). *المطالب العالیة من العلم الإلهی*. تحقیق احمد حجازی سقا. بیروت: دار الكتاب العربی.
۱۴. فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ ق). *التفسیر الکریم (مفاتیح الغیب)*. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۱۵. فخر رازی، محمد بن عمر (بی تا). *الأربعین فی أصول الدین*. قاهره: مكتبة الكليات الأزهرية.
۱۶. فخر رازی، محمد بن عمر (بی تا). *المحصل*. تحقیق اتای حسین. عمان: دار الرازی.
۱۷. کرباسی، محمدجعفر (۱۴۲۲ ق). *اعراب القرآن*. بیروت: دار و مكتبة الهلال.
۱۸. مظفر، محمدرضا (۱۳۷۵). *أصول الفقه*. قم: اسماعیلیان.

